



# شیوه‌های حسابرسی در قیامت از منظر قرآن

دکتر مرتضی خرمی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

معصومه بابائی قاسم خیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

masomehbabai@yahoo.com



۴۴

فصلنامه علمی  
شماره ۲۶ - زمستان ۱۳۹۰

## چکیده

قرآن کریم، کتاب تربیتی عجیبی است. هنگامی که صحنه رستاخیز را برای انسانها ترسیم می‌کند، می‌فرماید: قیامت روزی است که همه مردم در صفوف منظم به دادگاه عدل پروردگار عرضه می‌شوند، در حالی که هماهنگی عقاید و اعمالشان معیار تقسیم آنها می‌باشد. دستهای آنها از همه چیز تهی است و تمام تعلقات دنیا را پشت سر افکنده‌اند. نامه‌های اعمال گشوده می‌شوند، همه چیز به زبان می‌آیند و اعمال کوچک و بزرگ آدمیان را بازگو می‌کنند، و از آن بالاتر خود اعمال و افکار جان می‌گیرند، تجسم می‌یابند و اطراف هرکسی را اعمال تجسم یافته‌اش احاطه می‌کند، آن‌چنان مردم به خود مشغولند که مادر فرزند را و فرزند، پدر و مادر را به کلی فراموش می‌کند.

سؤال و پرسش در قیامت عمومی است و از همه افراد صورت خواهد گرفت. سرانجام از مردمی که پیامبران را به سوی آنها فرستاده، و از خود پیامبران سؤال خواهند کرد. از دسته اول می‌پرسند که فرمان‌بری کرده‌اند یا نه؟ و از دسته دوم می‌پرسند که ابلاغ کرده‌اند یا نه؟ اگرچه خداوند به اعمال آنها آگاه است، اما آنها را تهدید می‌کند، تا خود را برای چنین پرسشی آماده کنند. برخی می‌گویند: از امتها می‌پرسند که اجابت کرده‌اند یا نه و از پیامبران می‌پرسند که مردم با آنها چگونه رفتار کرده‌اند؟ از امتها به منظور توبیخ و از پیامبران به منظور شهادت سؤال می‌شود.

قیامت دارای مواقف و ایستگاههای گوناگونی است. در بعضی از این مواقف از همه سؤال می‌شود و گنهکاران مورد پرسش قرار می‌گیرند، ولی در بعضی دیگر از کسی سؤال نخواهد شد و فقط مجازات در پی خواهند داشت. سؤالی که در قیامت از مجرمان خواهد شد، برای کشف حقیقت نیست؛ چون خداوند، از حال آنها باخبر است، بلکه سؤال برای اعتراف گرفتن و اتمام حجت بر آنهاست و این خود نوعی عذاب روحی است.

کلیدواژه‌ها: قیامت، برزخ، سؤال و جواب، مرگ.

## مقدمه

جهان بزرگی که اعماقش ناپیدا و آفاکش ناآشکار است، و سرای وسیعی که در عین وجود، قدم انسان بدانجا نرسیده، با اعجاب و شگفتی فراوانی همراه است. مسئله عمده و پیچیده معاد دارالقراری است که همه وقتی به آن می‌رسند، از حرکت بازمی‌ایستند و از مرتبه تحصیلی خویش نه فرازی دارند و نه فرودی. برای اینکه معاد جهان شهود و عین حضور است و اکنون دیوار بلند دنیا و حجاب مرتفع طبیعت مانع از دیدگان نوع بشر است که عالم شهادت واقعی را جهان غیب می‌دانند و سرای روشن الهی را تاریک خانه هستی می‌شمرند.

قیامت که پایان جهان است، آغاز حیات جاوید است که مرگ را در آستانه سرای خود ذبح کرده و جاودانگی و خلود را به ارمغان می‌آورد و نیاز فطری هر موجود حیatemندی را پاسخ مثبت گفته و مرگ را به حریم خود راه نمی‌دهد. تأمل درباره چنین حقیقتی از منظر عقل و نقل، از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است. چشم بستگان از عالم بقا و چشم دوختگان به جهان فنا، در گردابی از غفلت و نسیان غوطه‌ورند و آن‌گاه که نهیب مرگ و تازیانه‌های فرشتگان عذاب، چشم جانیشان را باز کرده، فرصتی برای هیچ کاری ندارند و به ناچار دو دست پشیمانی به دندان می‌گزند و در جهنم حسرت و جحیم ندامت گرفتار خواهند آمد، و برعکس عاقبت‌اندیشان و چاره‌جویان عالم بقا و فراریان از دار دنیا که از این جهان در غفلت و به آن جهان متذکرند، با چهره‌هایی شادمان ناظر به چهره خدایند و با دریافت صحیفه نیک‌بختی، با دست راست، با یمن و برکت فریاد برمی‌آورند: بیابید و کارنامه موفقیت‌آمیز ما را مشاهده کنید. آنها به سمت بهشتی حرکت می‌کنند که نه تنها هیچ آزار و آسیبی در حریم آن راه ندارد، لغو و تأثیمی نیز شنیده نمی‌شود: «... طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بَ» بنابراین، از آنجا که زندگی حقیقی و نمیر در آن سوی مرزهای طبیعت است و همه انسانها مآلاً در آن میقات بزرگ گردهم می‌آیند، و از طرفی آن عالم نه در معرض دید نوع انسان قرار می‌گیرد و نه خبری از آن شنیده می‌شود، به خاطر همین، اهتمام عمده انبیا پس از مسئله توحید به امر معاد و زندگی در آن عالم و بیان گزاره‌های فراوانی معطوف شده است که هر یک صف و رساله‌های زیادی را برای تبیین و توضیح می‌طلبند. از این رو، پس از بیان ارتباط عالم دنیا با آخرت به ضرورت برهانی کردن معاد پرداخته و با بیانه‌های متفاوت وجود آن را مبرهن می‌سازند.

## سیمایی از دادگاه بزرگ قیامت

مسئلاً درک حقایق مربوط به قیامت - به طور تفصیل - برای

زندانیان عالم دنیا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا جهانی است فوق این جهان و برتر و بالاتر از آن، که حتی تصور مفاهیم حاکم بر آن جهان برای ما بسیار مشکل است، همان‌گونه که برای طفل دبستانی تصور علوم گسترده دانشگاهی امکان‌پذیر نیست. ولی با این حال با توجه به آیات و روایات، یک ترسیم اجمالی را از آن دادگاه می‌توان ارائه داد. رستاخیز جهانی است که همه حقایق پنهانی در آن آشکار می‌گردد، موجودات بی‌جان جان می‌گیرند و همه جا و همه چیز یک پارچه حیات و زندگی خواهد شد. از دست و پا و چشم و گوش گرفته، تا پوست تن، و سایر اعضای پیکر، همه و همه به نطق درمی‌آیند، و اعمالی را که انجام داده‌اند، بازگو می‌کنند. از سوی دیگر تمام اعمال آدمی در برابر او مجسم شده، و در آنجا حضور می‌یابند. نامه‌های اعمال که با خطوط غیر قابل انکاری ترسیم شده از یک سو، شاهدانی از فرشتگان و انبیا و اولیا از سوی دیگر، و برتر از همه اینها گواهی ذات پاک خداوند بر اعمال انسانها است. قیامت صحنه‌ای است تکان‌دهنده و بسیار وحشتناک که حتی اعمالی به اندازه یک خردل و یک ذره مورد محاسبه قرار می‌گیرد، و نیتها نیز در پرونده‌های اعمال کاملاً نمایان است! در یک لحظه به حساب همه می‌رسند، و حق و عدالت بر تمام آن دادگاه بزرگ، سایه افکنده، و کوچک و بزرگ و حتی انبیا در آنجا حاضر می‌شوند، تمام اختلافات برچیده شده، و همه جرّ و بحثها پایان می‌گیرد، نسبت به تمام مظلومان عالم، از ظالمان احقاق حق می‌شود، و آنچه را که بسیاری از مردم هرگز باور نمی‌کردند، آشکارا با چشم خود می‌بینند! ایمان و اعتقاد به این حقایق، می‌تواند نیرومندترین امواج تربیتی را در درون جان و دل انسانها به حرکت درآورد، خودکامگیها را افسار کند، شهوات را مهار زند، بی‌تقواییها را پایان دهد و از این انسان خاکی، فرشته‌ای پاک و پاکیزه بسازد! در حقیقت هدف خداوند نیز از شرح این حقایق در این کتاب انسان‌ساز یعنی قرآن مجید همین بوده است. (۱)

## سیمای عالم رستاخیز عبارت است از:

### (۱) نظام آفرینش در آستانه قیامت

در قرآن کریم دهها آیه آمده که می‌فرماید: برای شروع قیامت، این نظام حاکم بر آسمانها و زمین و ستارگان و دریاها به هم خورده و به صورت نظام دیگری که مناسب با قیامت باشد، درمی‌آید، در قرآن برای آفرینش آسمانها و زمین مدّت معین قرار داده شده، آنجا که می‌فرماید: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ» (احقاف، ۳)؛ «ما آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست را نیافریدیم مگر براساس حق، آن هم برای مدّتی معین که همان





روز قیامت است و آنان که کافرند هر چه پند و اندرزشان کنند، روی می گردانند». در آن روز بساط آسمانها در هم پیچیده شده و در زمین تغییرات اساسی داده می شود، نه تنها زمین و آسمان، بلکه خورشید و ماه و سایر کرات هم برای همیشه در این نظام نیستند و حرکت و نظام آنها هم موقت و تا مدت معینی است که بعد از پایان آن مدت «أَجَلٌ مُّسَمًّى» بساط آنها برچیده می شود. امام علی (ع) فرمود: «ایمانی همراه با یقین شبیه تر از یقین به شک در انسان ندیده ام که هر روز با گورستان وداع می کند و به تشییع مردگان برمی خیزد، و باز به غرور و فریب دنیا بازمی گردد، و از شهوت و گناه دست برنمی دارد» (۲).

بنابراین قرآن از ابتدا موقت بودن این نظام را با عبارت «أَجَلٌ مُّسَمًّى» به ما گوشزد کرده است و آن أجل هنگامی است که قیامت برپا شود. در آستانه برپایی قیامت، تمام اهل زمین و آسمانها می میرند. این حقیقت را قرآن چنین بیان می کند: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ تَمَّ نُفْحُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (زمر، ۶۸)؛ «در صور دمیده می شود، پس هر کس در آسمانها و زمین است از صدای او جان می دهد، جز آن کسی را که خدا بخواهد، آن گاه صیحه دیگری در آن دمیده شود که ناگاه خلائق همه برخیزند و نظاره کنند». با دمیدن در صور اول همه می میرند، فقط چهار فرشته با نامهای جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل می مانند که خداوند به عزرائیل دستور می دهد، اسرافیل و میکائیل را قبض روح کن و بعد از ایشان عزرائیل می میرد و فقط جبرئیل می ماند که خداوند به او می فرماید ای جبرئیل از مرگ چاره ای نیست، جبرئیل سجده می کند و پر برهم می زند و جان به جان آفرین تسلیم می نماید و جز ذات واجب الوجود نماند. (۳)

## ۲) ندامت در قیامت

مسئله حسرت و پشیمانی در قیامت، در آیات و روایات متعددی بازگو شده است به طوری که یکی از نامهای قیامت، «یَوْمَ الْحُسْرَةِ» است، خداوند در قرآن می فرماید: «وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحُسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (مریم، ۳۹)؛ «و امت را از روز غم و حسرت بترسان که آن روز دیگر کارشان گذشته است و مردم سخت از آن روز غافلند و به آن ایمان نمی آورند». یعنی روزی که مردم در آن حسرتها دارند، به خاطر آنکه کار از کار می گذرد و پرونده اعمال انسان خاتمه پیدا می کند و هر یک از اهل بهشت و دوزخ به سرنوشت خود سپرده می شوند، در آن هنگام مرگ به صورت گوسفند و قوچی ظاهر و در برابر دوزخیان و بهشتیان ذبح می شود و بدین وسیله به اهل محشر فهمانده می شود که دیگر کار تمام شد، اهل بهشت برای همیشه در بهشت و اهل دوزخ برای همیشه در جهنم خواهند

بود. (۴) پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ندامت و حسرت در روز قیامت سخت ترین پشیمانیهاست»؛ زیرا هیچ راهی برای جبران وجود ندارد. (۵)

آری، هر گونه آرزو در آن روز بیهوده است، مجرمان در آن هنگام می گویند: اگر برای من برگشتی به دنیا بود، از نیکوکاران می شدم، ولی هزار حیف که دیگر برگشتی در کار نیست. در آن روز فریادها بلند است، گاهی می گویند: آیا کسی هست که در این روز بزرگ شفاعت ما را کرده و نجاتمان دهد؟ گاهی فریاد می زنند: آیا راهی برای فرار و رهایی هست؟ خدایا!

شقاوت بر ما غلبه کرد و ما را از راه تو دور نمود. (۶) امام صادق (ع) فرمود: «دوزخیان به خاطر اعمالشان شقاوتمند شدند و گاهی فریاد می زنند که ای کاش من خاک بودم!» آری، خاک از ما یک دانه می گیرد، ولی یک خوشه می دهد و ما این همه نعمتهای خدا را گرفتیم، ولی کار ارزشمندی انجام ندادیم. (۷)

البته گناهکاران در جهان آخرت در همه جا حسرت و ندامت خود را با داد و فریاد اظهار نمی کنند، بلکه به نظر می آید ابتدا شرمندگی خود را پنهان می نمایند، ولی کم کم خجالت و ندامت از پنهانی به صورت آشکار و فریاد درمی آید، این حسرتها از همان لحظه زنده شدن آغاز می شود که می گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از قبرمان بیرون آورد. در آن روز کارها و زحماتی که در دنیا برای غیر خدا کشیده اند، یکسره تباہ و سبب حسرت آنان می شود (۸) و بارها تقاضای برگشت کرده و می گویند: «وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ» (سجده، ۱۲). یعنی خدایا! حالا ما هوشیار و بینا و شنوا شدیم و فهمیدیم که انبیا درست گفتند و راه ما کج بوده است، خدایا! ما را به دنیا برگردان تا عمل صالح انجام دهیم! ولی این ناله ها و نعره ها، هیچ فایده ای ندارد.

## ۳) چگونه حضور در قیامت

قرآن نحوه حاضر شدن انسان در صحنه قیامت را به چند گونه بیان نموده است: گاهی می فرماید: انسان تنها مبعوث می شود: «وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا» (مریم، ۹۵)؛ «و تمام آنها روز قیامت منفرد و تنها به پیشگاه حضرتش حضور می یابند».

گاهی می خوانیم: انسان همراه با رهبری که در دنیا پذیرفته است، مبعوث می شود: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (اسراء، ۷۱)؛ «ای رسول ما به یسار آری روزی را که ما گروهی از مردم را با پیشوایشان دعوت می کنیم، پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند، آنها نامه خود را قرائت کنند و کمتر ستمی

به آنها نخواهد شد».

و گاهی می‌خوانیم: مردم دسته دسته و به طور فوج فوج وارد می‌شوند: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَتَاتُونَ أَفْوَاجًا» (نبا، ۱۸)؛ «آن روزی که در صور دمند و فوج فوج به محشر درآیند».

## روشهای سؤال و حساب در قیامت

بربایستی قیامت و معاد و زنده شدن مردگان و به هم خوردن نظام موجود و تشکیل یک نظام دیگر، به خاطر حسابرسی و رسیدگی به اعمال دنیوی انسانهاست که در قیامت مورد پرسش و بازخواست قرار می‌گیرند. با توجه به آیات و روایات در این زمینه، مطالبی ارائه می‌شود: (۹)

### ۱) سؤال از همه کس

قرآن می‌فرماید: «فَلْيَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلْيَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف، ۶)؛ «ما حتماً هم از مردمی که برایشان پیامبر فرستاده‌ایم سؤال خواهیم کرد و هم از خود انبیا درباره اینکه آیا مطالب را به مردم رسانده‌اند یا نه، سؤال می‌نماییم». آری، سؤال در قیامت عمومی است و از همه افراد صورت خواهد گرفت. سرانجام از مردمی که پیامبران را به سوی آنها فرستاده و از خود پیامبران سؤال خواهند کرد. از دسته اول می‌پرسند که فرمان‌بری کرده‌اند یا نه؟ و از دسته دوم می‌پرسند که ابلاغ کرده‌اند یا نه؟ اگر چه خداوند به اعمال آنها آگاه است، اما آنها را تهدید می‌کند، تا خود را برای چنین پرسشی آماده کنند. برخی می‌گویند: از امتها می‌پرسند که اجابت کرده‌اند یا نه و از پیامبران می‌پرسند که مردم با آنها چگونه رفتار کرده‌اند؟ برخی می‌گویند: از امتها به منظور توبیخ و از پیامبران به منظور شهادت سؤال می‌شود. (۱۰)

فایده این سؤال چند چیز است: ۱. مردم بدانند که خداوند پیامبران خود را فرستاده و عذر را برداشته و به کسی ظلم نمی‌کند. ۲. انسانها بفهمند که کفار به کیفر کردارشان می‌رسند. ۳. اهل ایمان شاد و مسرور و کفار غمگین می‌شوند. ۴. این هم لطفی است درباره مکلفانی که از آینده به آنها خبر داده می‌شود. (۱۱)

از مردم برای کسب اطلاع و معلوم شدن حقیقت، سؤالی نمی‌شود، اما به منظور سرزنش، از آنها سؤال می‌شود. پس سؤال از مردم برای توبیخ است، اما سؤال از پیامبران به منظور توبیخ خودشان نیست، بلکه به منظور توبیخ کفار است. روز قیامت، به هنگام محاسبه، از مردم سؤال می‌کنند، اما همین که وارد جهنم شدند، از آنها سؤال نمی‌کنند. پس در بعضی مراحل سؤال هست و در بعضی مراحل نیست چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «آنها را نگهدارید که مسئولند». قیامت دارای مواقعی

است؛ در بعضی از موقفها سؤال هست و در بعضی سؤال نیست و سؤالی که از آنها می‌شود، برای کسب علم و آگاهی نیست. بنابراین، هم رهبران مسئولند و هم پیروان، هم پیشوایان و هم تابعان، منتها چگونگی مسئولیتهای این دو گروه متفاوت است. (۱۲) حدیثی که از امیرمؤمنان علی (ع) در این زمینه نقل شده، نیز این معنی را تأیید می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «پیامبران را نگه می‌دارند و از آنها سؤال می‌کنند که آیا رسالت خویش را به امتها رساندند یا نه؟ آنها پاسخ می‌گویند که این وظیفه را انجام داده‌اند». (۱۳)

در آیه بعد برای اینکه کسی تصور نکند که سؤال از امتها و پیامبران دلیل بر این است که چیزی از علم خدا مخفی می‌ماند، با قاطعیت و صراحت و تأکید آمیخته با قسم می‌فرماید: «ما با علم و دانش خویش تمام اعمالشان را برای آنها شرح می‌دهیم؛ زیرا ما هرگز از آنها غایب نبودیم، همه جا با آنها بودیم و در هر حال همراهشان بودیم: «فَلَنَنْصُنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ» (اعراف، ۷)؛ «پس بر آنان (حکایت حالی آنها را) به علم و دانش بیان کنیم، تا بدانند که ما از کردار آنان غافل نیستیم» و منظور از سؤال در اینجا درخواست کردن حقیقت جریان امر آنهاست، تا آشکار شود، که مردم با رسولان چه معامله‌ای کردند، و رسولان نیز چگونه در مأموریت رسالت خود انجام وظیفه نمودند. این معنی نتیجه محاسبه و لزوم بررسی خداوند متعال است که به اقتضای عدل و نظم و دادرسی او لازم می‌شود که به خصوصیات اعمال بندگان خود رسیدگی کرده، و هر کسی را مطابق اعمال خود پاداش دقیق و عادلانه بدهد. (۱۴)

جامعه‌های ستمگر با عذابی که در این دنیا به آنها می‌رسد، کارشان تمام نمی‌شود، بلکه علاوه بر عذاب این دنیا در آخرت نیز مؤاخذه خواهند شد و در برابر کارهایی که کرده‌اند، مورد پرسش قرار خواهند گرفت؛ یعنی در روز قیامت هم از مردم و هم از پیامبران سؤال خواهد شد. البته سؤالا متفاوت است سؤالی که از مردم می‌شود، مربوط به کارهای آنها در دنیاست و سؤالی که از پیامبران می‌شود، مربوط به عکس‌العمل مردم در برابر دعوت آنهاست؛ یعنی اینکه پیامبران شهادت خواهند داد که مردم با دعوت آنها چگونه برخورد کردند. بنابراین، سؤال از مردم به عنوان سؤال از امتها و سؤال از پیامبران به عنوان سؤال از شاهد است. (۱۵)

قیامت دارای مواقف و ایستگاههای گوناگونی است. در بعضی از این مواقف از همه سؤال می‌شود و گنهکاران مورد پرسش قرار می‌گیرند، ولی در بعضی دیگر از این ایستگاهها از کسی سؤال نخواهد شد و فقط مجازات در پی خواهند داشت. سؤالی





که در قیامت از مجرمان خواهد شد، برای کشف حقیقت نیست؛ چون خداوند، از حال آنها باخبر است، بلکه سؤال برای اعتراف گرفتن از آنهاست و این خود نوعی عذاب روحی است و برای همین است که در آیه مورد بحث ما، پس از بیان اینکه از مردم سؤال خواهد شد، اضافه می‌کند که کارهای آنها را از روی علم و آگاهی برای آنها تعریف خواهیم کرد، تا بدانند که غایب و بی‌خبر نبودیم؛ یعنی آنها هر کاری در دنیا انجام داده‌اند، در حضور ما بوده و ما به خوبی از آن آگاه بودیم و در قیامت از کارهایی که کرده‌اند، خبر خواهیم داد. بنابراین پرسش از آنها برای به دست آوردن اطلاعات نیست، بلکه برای اتمام حجت است که برای آنان نوعی عذاب روحی هم هست. (۱۶)

با توجه به آیات شریفه و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) ده مورد سؤال است که عبارتند از: ۱. سؤال از رسل که آنچه به آنها ارسال شده، به امت ابلاغ کردند و به آنها تبلیغ شده است. ۲. سؤال از نعم الهی. ۳. سؤال از نماز.

امام صادق (ع) در این مورد فرمود: «اولین چیزی که در قیامت از بنده رسیدگی می‌شود، نماز است. اگر قبول کردند، بقیه اعمال او مورد قبول واقع می‌شود و اگر نپذیرفتند، بقیه اعمالش مورد قبول واقع نمی‌شود». (۱۷) ۴. از قرآن از جهت تمسک به آن که احد ثقلین است و عمل به دستورات آن. ۵. از محرمات و معاصی کبار مثل دروغ، غیبت، فحش، نَمّامی، افتراء، قتل نفس، زنا، لواط، شرب خمر و امثال اینها. ۶. از اعضاء و جوارح مثل چشم، گوش، زبان، دست و پا و قلب. ۷. از عهود و قراردادهای چه بین خالق و خلق و چه بین خلائق با یکدیگر باشد. ۸. از حقوق الهی که بر بنده واجب فرموده است. ۹. از حق الناس و مظالم عباد. ۱۰. از عمر و مال و جوانی و فراغت. (۱۸)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «همه شما مسئول زیردستان خود هستید و باید پاسخ‌گو باشید؛ امام از مردمش، مرد از همسرش، زن از رفتار در خانه همسرش و بنده از مال و دارایی مولایش». همچنین فرمود: خداوند از من نیز سؤال می‌کند که آیا ابلاغ رسالت کردم یا نه؟ در روز قیامت، از رهبران و امتها (جن و انس)، نیکان و بدان و همچنین از علما و پیروان آنها سؤال می‌شود. سؤال در قیامت، نوعی استشهاد و اقرار گرفتن و توبیخ است و گاهی نیز تقدیر و تشکر، و گرنه چیزی از خدا پنهان نیست تا با سؤال، رفع ابهام شود. علم خداوند، دقیق است و با حضور و نظارت خود اوست و واسطه‌ای در کار نیست. (۱۹)

حکمت خداوند سبحان اقتضا می‌نماید که سعادت و شقاوت بشر براساس اختیار بوده باشد، و راه اطاعت را که منتهی به سعادت آنان می‌شود و راه شقاوت را که منتهی به بدبختی ایشان می‌گردد، بر ایشان بیان کند، تا هرکس راه معصیت

را ببیند و طریق ضلالت را پیش گیرد، مجازاتش نموده، و هرکس بر مرکب راهوار اطاعت سوار شود و راه اطاعت را طی کند، او را هم پاداش دهد، و به زودی از هر دو طایفه خواهد پرسید که چه کردید و چه اختیار نمودید؟ مراد از یک امت قرار دادن آنان، رفع اختلاف از میان آنان است و مقصود این است که همه ایشان را از نظر هدایت و سعادت یک جور خلق کرد، و منظور از اضلال بعضی و هدایت بعضی اضلال و هدایت ابتدایی می‌باشد، و آن کسی که خدا می‌خواهد گمراهش کند، کسی است که خودش راه ضلالت یعنی معصیت را پیموده و پشیمان هم نمی‌شود و آن کس که خدا هدایتش کرده، کسی است که هدایت فطری خود را از دست نداده و بر آن اساس مشی می‌کند، یا همواره در طاعت است و یا اگر گناهی از او سر می‌زند، توبه می‌کند و از راه گناه به صراط مستقیم و سنت الهی‌اش که تبدیل‌پذیر نیست، برمی‌گردد. (۲۰)

یعنی اگر خدا بخواهد، می‌تواند بشر را مجبور کند تا همه ایمان بیاورند و همه یک امت شوند، ولی مخصوصاً انسان را آزاد و مختار قرار می‌دهد. چرا؟ زیرا اگر خداوند حکیم از انسان، سلب اختیار کند، انسان نظیر حیوانات و حشرات خواهد بود. به عبارت دیگر، یک چنین ایمانی، ایمان مجبوری خواهد بود، و این واضح است که ایمان جبری معقول و مفید نیست؛ چون مذهب جبر و اجبار باطل است، بنابراین در جمله بعد می‌فرماید: خداوند هر کسی را که بخواهد رها می‌کند؛ چرا که خداوند از قلب و نیت او آگاه است و می‌داند که قابل هدایت نیست و هر کسی را که بخواهد هدایت می‌نماید؛ زیرا خدا می‌داند که وی تصمیم و قابلیت هدایت شدن را دارد. (۲۱)

## ۲) سؤال از هر حالت

در قیامت خداوند گناھانی را که صورت ظاهری هم ندارند، نظیر گناه بزرگ شرک و ریا و یا کتمان حق، مورد سؤال و حساب قرار خواهد داد. حتی افکار و نیت ما را به حساب می‌آورد. مثلاً اگر به فقیری کمک کردیم، ولی هدف ما خدا نبود، بلکه شهرت‌طلبی و یا امثال آن باشد، باز هم به خاطر همان هدف و انگیزه مورد سؤال قرار می‌گیریم؛ یعنی منویات و ملکات نفسانی انسان، مورد حسابرسی خداوند قرار می‌گیرد (۲۲) و قرآن در این مورد می‌فرماید: «لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاِنْ تُبْدُوْا مَا فِيْ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تَخْفَوْهُ يَحْسِبْكُمْ بِهٖ اللّٰهُ فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَّشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَاءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ» (بقره، ۲۸۴)؛ «آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست و اگر آنچه در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند، آن‌گاه هر که را بخواهد، می‌بخشد، و هر که را بخواهد، عذاب می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست». این آیه می‌فرماید: یعنی تصور

نکنید، اعمالی همچون کتمان شهادت و گناهان قلبی دیگر بر خداوند مخفی می‌ماند، کسی که حاکم بر جهان هستی و زمین و آسمان است، هیچ چیز بر او مخفی نخواهد بود، بنابراین تعجب نکنید، اگر گفته شود: خداوند گناهان پنهانی را نیز محاسبه می‌کند و کیفر می‌دهد و در پایان آیه می‌فرماید: «و خداوند بر هر چیز قادر است، هم نسبت به همه چیز این جهان آگاهی دارد و هم قادر است لیاقتها و شایستگیها را مشخص کند و هم متخلفان را کیفر دهد». گاه تصور می‌شود که آیه با احادیث فراوانی که می‌گوید: نیت گناه، گناه نیست، مخالفت دارد، ولی پاسخ آن روشن است؛ زیرا آن احادیث مربوط به گناهانی است که عمل خارجی دارند و نیت مقدمه آن است مانند: ظلم و دروغ و غضب حقوق، نه گناهانی که ذاتاً جنبه درونی دارند و عمل قلبی محسوب می‌شوند، مانند شرک و ریا و کتمان شهادت. (۲۳)

تفسیر دیگری نیز برای این آیه وجود دارد و آن اینکه یک عمل ممکن است به صورتهای مختلف انجام شود، مثلاً انفاق گاه برای خدا است و گاه برای ریا و شهرت طلبی، آیه می‌فرماید: اگر نیت خود را آشکار سازید و یا پنهان کنید، خداوند از آن باخبر است و بر طبق آن به شما جزا می‌دهد و در واقع اشاره به همان مضمون روایت «هیچ عملی جز به نیت نیست»، دارد، اینکه خداوند می‌فرماید: «هر کس را بخواهد می‌بخشد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند». خواستن بی دلیل نیست، بلکه بخشش او نیز دلیلی دارد و دلیلش شایستگی عفو در شخص مورد بخشش است و همچنین عدم بخشش و عذاب کردن. (۲۴)

امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) خبر داده است که فرمود: «نه خصلت از امت من برداشته شده است: ۱. خطا ۲. فراموشی ۳. آنچه را که ندانند ۴. آنچه را که طاقت بر آن ندارند ۵. آنچه را که از کردن آن مضطرب و ناچارند ۶. آنچه را که به اکراه بر آن وادار شوند ۷. طیره یعنی بدفالی ۸. وسوسه تفکر در خلقت ۹. حسد مادام که به زبان و یا دست، افشا و ظاهر نساخته‌اند». (۲۵)

و بنابراین پیامبر (ص) فرمود: «خدای تعالی به ملکین حافظین اعمال می‌فرماید: هر گاه قصد کند بنده من به گناهی، پس نویسد آن را بر او، اگر بجا آورد آن را، بنویسد یک گناه و اگر قصد حسنه نمود و بجا نیاورد، بنویسد بر او حسنه، پس اگر آن را بجای آورد، بنویسد برای او ده ثواب» و این دلیل عفو است بر عمل قلب و تفضل از جانب مقلب القلوب. (۲۶)

ابوهریره روایت کرده است: وقتی که آیه «لله ما فی السموات وما فی الارض وان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فینقر لمن ینشاء و یعدب من ینشاء والله علی کل شیء

قَدِيرٌ» (بقره، ۲۸۴)، بر رسول خدا (ص) نازل گردید، اصحاب را سخت گران آمد، بنابراین نزد رسول خدا (ص) آمده، به زانو نشستند و عرضه داشتند: یا رسول خدا هر عملی از قبیل نماز و روزه و جهاد و صدقه که برای ما مقدور باشد، بر ما تکلیف کن، ولی این آیه از طاقت ما بیرون است، رسول اکرم (ص) فرمود: آیا می‌خواهید همان را بگوئید که قبل از شما اهل کتاب گفته بودند، که سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا شنیدیم ولی نافرمانی کردیم؟ نه این‌طور نگوئید، بلکه بگوئید: سَمِعْنَا وَ اطعْنَا، غُفْرَانِكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ یعنی شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! از تو آمرزش می‌جوییم و بازگشت به سوی تو است و چون مردم این را مکرر گفتند تا زبانشان به گفتن آن رام شد، به دنبالش خدای تعالی این آیه را نازل کرد. (۲۷)

### ۳) محاسبه عمل در همه جا

لقمان در ضمن وصایای خود به فرزندش چنین می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان، ۱۶)؛ «پسر من! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل نیک یا بد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمانها یا زمین پنهان گردد، خداوند آن را (در قیامت) برای حسابرسی می‌آورد، خداوند دقیق و آگاه است». خردل دانه بسیار کوچکی از گیاه معروفی است که ضرب‌المثل در کوچکی می‌باشد. این تعبیرات نشان می‌دهد که در آن حسابرسی بزرگ، کوچک‌ترین کارها محاسبه می‌شود، ضمناً این آیات هشدار می‌دهد که نه گناهان کوچک را کم اهمیت بشمیرد، و نه اعمال خیر کوچک را، چیزی که مورد محاسبه الهی قرار می‌گیرد هر چه باشد کم‌اهمیت نیست. آری، هیچ‌یک از عوامل خفیا و پنهان‌کاری، نه زیر بودن کار و نه دور بودن آن و نه پنهانی و نه تاریکی، مانع علم و آگاهی او نیست و این به خاطر آن است که خداوند هم لطیف است و هم خبیر، یعنی عالم به امور، دقیق و ظریف است. (۲۸)

امام باقر (ع) فرمود: «از گناهان کوچک بپرهیزید؛ چرا که سرانجام کسی از آن بازخواست می‌کند، گاهی بعضی از شما می‌گویند: ما گناه می‌کنیم و به دنبال آن استغفار می‌نماییم، در حالی که خداوند عزوجل می‌فرماید: ما تمام آنچه آنها از پیش فرستاده‌اند و همچنین آثارشان را، و همه چیز را در لوح محفوظ احصا کرده‌ایم، و نیز فرموده: اگر اعمال نیک و بد حتی به اندازه سنگینی دانه خردلی باشد، در دل صخره‌ای یا در گوشه‌ای از آسمان یا اندرون زمین، خدا آن را حاضر می‌کند؛ چرا که خداوند لطیف و خبیر است». توجه به این آگاهی پروردگار از اعمال انسان، خمیر مایه همه اصلاحات فردی و اجتماعی است و نیروی محرک قوی به سوی خیرات





و بازدارنده مؤثر از شرور و بدبهاست. (۲۹)

#### ۴) سؤال یا عدم سؤال در قیامت

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ» (الرَّحْمَن، ۳۹-۴۱)؛ «در آن روز، هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و از پیشانی و پایشان بگیرند». در این آیات از حوادث تکوینی قیامت، به وضع انسان گنهکار در آن روز، پرداخته می‌افزاید: در آن روز هیچ‌کس از انس و جن از گناهش پرسش نمی‌شود، چرا سؤال نمی‌کنند؟ برای اینکه همه چیز در آن روز آشکار است، یوم البروز است، و در چهره انسانها همه چیز خوانده می‌شود. (۳۰)

ممکن است تصور شود که این آیات با آیاتی که تصریح و تأکید بر مسئله سؤال از بندگان در قیامت می‌کنند، تضاد دارند، مانند آیه «وَقَفَّوهُمْ إِثْمَ مَسْئُولُونَ» (صافات، ۲۴)؛ «آنها را متوقف سازید که باید از آنها سؤال شود» و آیات «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر، ۹۲ و ۹۳)؛ «پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید از آنچه انجام می‌داده‌اند». مشخص است که سؤال خداوند برای کشف مطلب پنهان و پوشیده‌ای نیست؛ چرا که او از اسرار درون و برون آگاه است و ذره‌ای در آسمان و زمین از علم بی‌پایان او مخفی نیست. بنابراین سؤال مزبور به خاطر تفهیم به خود طرف است، تا به زشتی اعمالش پی ببرد و یا به عنوان یک نوع مجازات روانی است؛ چرا که بازجویی از کارهای خلاف آن هم توأم با سرزنش و ملامت در جهانی که انسان به حقایق نزدیک‌تر و آگاه‌تر می‌شود، دردناک و زجرآور است. بنابراین در حقیقت این پرسشها بخشی از مجازات آنهاست. (۳۱)

ضمناً عمومیت «عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» نشان می‌دهد که از همه اعمال آدمی بدون استثنا سؤال خواهد شد و این خود درسی است برای همه انسانها که لحظه‌ای از اعمال خود غافل نمانند و اینکه بعضی از مفسران این سؤال را محدود به مسئله توحید و ایمان به انبیا و یا مربوط به معبودهای مشرکان دانسته‌اند، سخنی است بی‌دلیل، بلکه مفهوم آیه کاملاً تعمیم است. یک نکته مهم این است که قیامت یک روز بسیار طولانی است و انسانها از مواقف و گذرگاههای متعددی باید بگذرند و در هر صحنه و موقفی باید مدتی بایستند، طبق بعضی از روایات این مواقف ۵۰ مورد است، در برخی از این گذرگاهها، مطلقاً سؤالی نمی‌شود، بلکه «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون ولی در بعضی از مواقف از انسانها سؤال می‌شود». (۳۲)

در قرآن آمده است: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس، ۶۵)؛ «امروز بر دهانهای آنان مهر می‌نهم و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان به آنچه فراهم می‌ساختند، گواهی می‌دهند».

در بعضی از مواقف قیامت، مهر بر دهان انسان گذارده می‌شود و اعضای بدن به شهادت برمی‌خیزند. آری در آن روز دیگر اعضای انسان تسلیم تمایلات او نیستند، آنها حساب خود را از کل وجود انسان جدا کرده تسلیم پروردگار می‌شوند و بر آستان مقدس او سر فرود می‌آورند و حقایق را با شهادت خود آشکار می‌سازند. چه دادگاه عجیبی است که گواه آن اعضای پیکر بدن خود انسان است، همان ابزاری است که گناه را با آن انجام داده! شاید گواهی اعضا به خاطر آن باشد که این مجرمان هنگامی که به آنها گفته می‌شود کیفر شما در برابر اعمالی که انجام دادید دوزخ است، به انکار برمی‌خیزند، به گمان اینکه دادگاه دنیاست، و حقایق از طریق پشت هم‌اندازی قابل انکار است، گواهی اعضا شروع می‌شود و تعجب و وحشت سراسر وجود او را فرا می‌گیرد و تمام راههای فرار به روی او بسته می‌شود. (۳۳)

در قرآن آمده است: «يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (نحل، ۱۱۱)؛ «یاد کن [روزی را که هرکس می‌آید] و [از خود دفاع می‌کند، و هرکس به آنچه کرده، بی‌کم و کاست پاداش می‌یابد و بر آنان ستم نمی‌رود».

هر صحنه شرایطی دارد و از صحنه دیگر خوفناک‌تر است. آری در آن روز سؤال نمی‌شود، بلکه مجرمان با قیافه‌هایشان شناخته می‌شوند. گروهی دارای چهره‌های بشاش، نورانی و درخشانشان که بیانگر ایمان و عمل صالح آنهاست و گروهی دیگر صورتهایی سیاه و تاریک و زشت و عبوس دارند که نشانه کفر و گناه آنهاست. (۳۴)

چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ. ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ. وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ غَیْرَةٌ. نَرَاهَا قَتْرَةٌ» (عبس، ۳۸-۴۱)؛ «در آن روز چهره‌هایی درخشان و نورانید و چهره‌هایی تاریک، که سیاهی مخصوصی آن را پوشانیده است».

تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند. محاکم دادگستری در دنیا برای شناختن مجرم است، اما در آخرت هدفی دیگر دارند، و آن اثبات عملی دادگری خدا برای خلق است، پس معنی لا يُسْأَلُ به معنی آنان محاکمه نمی‌شوند، نیست. (۳۵) برای اینکه در قرآن می‌خوانیم: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (انعام، ۳۰)؛ «و کاش می‌دیدید آن زمان را که در

پیشگاه پروردگارشان ایستاده‌اند و او به آنان می‌فرماید که: آیا این بر حق نیست، و آنان می‌گویند: آری بر حق است، و پروردگاران می‌فرماید: پس بچشید چیزی را که به آن کفر می‌ورزیدید».

پروردگار متعال در آیاتی دیگر می‌فرماید: «أَحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ. مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ. وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات، ۲۲-۲۴)؛ «و گرد آورید کسانی را که ستم کردند با همسرانشان و با آنچه می‌پرستیدند جز خدا، و سپس آنان را به راه دوزخ رهبری کنید و بازداشتشان کنید که باید در معرض پرسش قرار گیرند».

درباره گناهانشان باید از آنان سؤال شود که آیا از طرف ایشان بوده است یا نه، چه آنان در نزد خدا شناخته شده‌اند، ولی این برای پرسش از ایشان نیست، بلکه پرسش برای شکنجه دادن و سرزنش کردن آنان است. بنابراین شایسته نیست که ما خود را در پس دیوارهای بهانه و توجیه پنهان کنیم؛ چون فرصتی برای بیان آنها نداریم تا قبول نشود یا رد گردد. بعضی از مجرمان که پیشوایان جریمه و کفر و فرو رفته در انحرافند، حتی در معرض سؤال هم قرار نمی‌گیرند، و فرمان می‌رسد که آنان را یکسره به جهنم ببرند و به عذاب برسانند، و برای خوار کردن و اهانت به ایشان و معذب داشتن آنان حتی پرسشی هم از ایشان نمی‌کنند و خدای عزوجل به حساب همه خلق می‌رسد، مگر کسی که شرک ورزیده باشد که مورد محاسبه واقع نمی‌شود و او را به فرمان خدا به آتش می‌اندازند. (۳۶)

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند سه کس را بدون حساب وارد آتش می‌کند، امام و پیشوای ستمگر، بازرگان دروغ‌گو و پیرمرد زناکار». (۳۷)

پرسشی که پیش می‌آید این است: مجرمان چگونه در قیامت شناخته می‌شوند؟ خدا با علمش بر هر چیز احاطه دارد، و از نامه‌های اعمالشان آنان را می‌شناسد و قیامت روز آشکار شدن بزرگ حقایق است، پس آن کس که اموال یتیم را به باطل می‌خورد، در شکم خود آتشی را می‌افروزد، و این حقیقت در روز قیامت برای همه مردم آشکار می‌شود و همگان او را چنان می‌بینند که آتشی در درون او افروخته شده است. هرکس که به انجام دادن جرم و گناهی می‌پردازد، از هرگونه که باشد، اثری از آن بر شخصیت او باقی می‌ماند، ولی این اثر در دنیا بر مردمان پوشیده است، اما در قیامت که پوشیده‌ها آشکار می‌شود، بر همگان آشکار می‌شود و چیزی از آنها پنهان نمی‌ماند، پس ناگهان او را به حالتی می‌بینند که چهره‌اش همچون شب تاریک سیاه شده است و در مقابل، مؤمنان با چهره‌های سفید آشکار می‌شوند. (۳۸)

در روز قیامت به کافرانی که چهره‌هایشان سیاه شده است،

می‌گویند: چرا پس از ایمان آوردن، کافر شدید، پس به سبب کفری که ورزیدید، عذاب را بچشید که این عاقبت کفر است و به صورت علمی ثابت شده است که جریمه اثر خود را بر مجرم باقی می‌گذارد، همچون درنگ کردن بیش از اندازه در پاسخ دادن به پرسشها و نامربوط جواب دادن و نظایر اینها که معرفت آن حالت روانی است که از ارتکاب جرم حاصل می‌شود و سپس به بیهوده سخن گفتن درباره آن می‌انجامد و شاید با پیشرفت علم این امکان نیز فراهم آید که از روی آثار مادی پیدا شده بر روی شخصیت، همچون وجود رنگهایی در صورت که با چشم غیر مجهز دیده نمی‌شود، مجرم را شناسایی کنند، این حقیقتی واقعی در دنیا و آخرت است، ولی فرق میان آنها در این است که ما در دنیا نمی‌توانیم آن آثار را با وضوح کافی مشاهده کنیم، در صورتی که در آخرت پرده از روی آنها برداشته می‌شود و با چشم خود آنها را مشاهده می‌کنیم و حتی در دنیا نیز اگر علم ما تکامل پیدا کند و به یقین برسد، بسیاری از حقایق غیبی بر ما آشکار خواهد شد. (۳۹)

امام رضا (ع) فرمود: «در آن روز از گناه شما جن و انس نمی‌پرسند و معنا این است که کسی که معتقد به حق و ولایت اهل بیت و امامت امامان معصوم (ع) است و گناهی مرتکب شده و در دنیا توبه نکرده، در برزخ عذاب می‌شود و روز قیامت از قبرش بیرون می‌آید، در حالی که بر او گناهی نیست، تا از او سؤال شود». (۴۰)

### نتیجه‌گیری

قیامت روزی است که از همه خلائق سؤال می‌شود. در آن روز پیامبران و امامان، اعضا و جوارح از قبیل چشم و گوش، پوست بدن و... به ادای شهادت خواهند پرداخت و انسان را در محضر جهانیان رسوا خواهند کرد. به قیامت «يَوْمَ الْحِسَابِ» نیز اطلاق می‌شود، گرچه خداوند همیشه حسابرس است و حسیب از نامهای اوست و در قیامت که روز حساب است، این نام مقدس به ظهور کامل می‌رسد. در آن روز میزان سنجش اعمال حق است و در روز رستخیز ترازوهای داد گذاشته می‌شود و اعمال کافران تباہ می‌گردد و برای آنها ترازو نخواهند نهاد. در آن هنگام اصل توزین و نصب میزان حق است. وزن، یعنی واحد سنجش عقیده، خلق و عمل، حقیقت است نه چیز دیگر، برای کافر که هیچ حقیقتی در سر و علن نبوده و نیست، ترازو نصب نمی‌شود. قیامت روز قطع ارتباطهاست. در آن روز بزرگ، هیچ‌کس کمترین کمکی به دوستش نمی‌کند و از هیچ طرفی یاری و حمایت نمی‌شود و همه اسبابها و وسیله‌ها قطع می‌شود، همه نقشه‌ها و حیل‌گریها نقش بر آب است و رابطه‌های خویشاوندی گسسته می‌شود و حتی برادر از برادر







می‌گریزد، همچنین دوست از حال دوست خود نمی‌پرسد. بنابراین تنها چیزی که همراه انسان و نجات‌بخش اوست و به درد او می‌خورد، کردار اوست، اگر کردار کسی، اعم از عقاید، اخلاق و اعمال، خالص بود او را از آسیب قیامت سالم نگه می‌دارد و گر نه، نه تنها کردار ناسالم به حال انسان سودمند نیست، بلکه انسان را در بند خود موهون می‌کند و هر کس در گرو کردار و گرفتار اعمال خویش است. هیچ‌کس آزاد نیست مگر صاحبان اعمال و اخلاق با میمنت که از این گروه به عنوان «أَصْحَابُ الْيَمِينِ» یاد می‌شود و آنان آزادند.

قیامت روز جدایی «يَوْمُ الْفُضْلِ» است. در این روز پرهیزکاران از تبهکاران جدا شده و از آنها تمایز می‌یابند. انسانها در دنیا

همه باهم و به ظاهر در یک شکل و قیافه زندگی می‌کنند، اما در قیامت که همه یکجا گرد می‌آیند، بدان از نیکان جدا می‌شوند و در آن زمان خصوصتها فیصله می‌یابد و نیکوکاران و گنهکاران از هم جدا می‌شوند و به آنان خطاب می‌شود: این همان روز فصل است که شما آن را تکذیب می‌کردید و دروغ می‌پنداشتید. در آن روز بدکاران نمی‌توانند سخن بگویند و از خویش دفاع کنند و به آنان اجازه عذرخواهی داده نخواهد شد.

### پی‌نوشتها

۱. پیام قرآن، ج ۶، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.
۲. خلاصه المنهج، ج ۵، ص ۲۷۱.
۳. جلاء الأذهان و جلاء الأحران، ج ۸، ص ۱۸۹.
۴. بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۹، ص ۷۲.
۵. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۳۹۲.
۶. تفسیر اثنا عشری، ج ۸، ص ۱۸۴.
۷. تفسیر أحسن الحدیث، ج ۶، ص ۳۲۱.
۸. أظیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۴۳.
۹. اصول عقاید، ص ۶۱۹.
۱۰. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۸۷.
۱۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۱.
۱۲. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۳۰.
۱۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۴.
۱۴. تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۷، ص ۲۱۰.
۱۵. تفسیر هدایت، ج ۱۰، ص ۱۲۴.
۱۶. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۲۵.
۱۷. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۵.
۱۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۴.
۱۹. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۵۹.
۲۰. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۳۰.
۲۱. بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۱۱، ص ۳۷۲.
۲۲. اصول عقاید، ص ۶۲۰.
۲۳. المحجة البیضاء، ج ۵، ص ۷۴.
۲۴. تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۲، ص ۱۵۸.
۲۵. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۸۷.
۲۶. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۴.
۲۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷.
۲۸. تفسیر اثنا عشری، ج ۱، ص ۵۱۸.
۲۹. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۵۲.
۳۰. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۰۴.
۳۱. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۳۳.
۳۲. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۳۱.
۳۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۴، ص ۷۷.
۳۴. تفسیر هدایت، ج ۱۷، ص ۳۴۴.
۳۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۴۶۶.
۳۶. جهل حدیث، ج ۱۱، ص ۲۷۳.
۳۷. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۸۳.
۳۸. بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۱۳، ص ۵۰۸.
۳۹. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۴۴.
۴۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۴، ص ۱۰۲.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۴. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۵. بروجردی، ابراهیم، تفسیر جامع، مشهد، جلیل، ۱۳۸۴ش.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، اصفهان، خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵ش.
۷. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ش.
۹. خانی، رضا؛ و ریاضی، حشمت الله، بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش.
۱۰. رسولی محلاتی، سید هاشم، چهل حدیث، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۳. طیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۵. فیض کاشانی، محسن، المحجّة البيضاء، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۱۶. همو، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، مؤسسه الصادق للطباعة و النشر، ۱۳۸۷ش.
۱۷. قرائتی، محسن، اصول عقاید (توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد)، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۷۵ش.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۲۰. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، چاپخانه علمی، ۱۳۳۶ش.
۲۱. همو، خلاصه المنهج، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ق.
۲۲. کیان زاد، رضا، اصول کافی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش.
۲۳. مترجمان، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن)، قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۹ش.
۲۶. همو، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.

